

خشونت علیه دگرباشان جنسی

خشونت‌هایی که ریشه در دگرباش‌ستیزی دارند مساله‌ای است که از تمام مناطق جهان گزارش شده است. این خشونت‌ها دامنه وسیعی دارند؛ از فشارهای روانی مستمر گرفته تا ضرب‌وشتم فیزیکی و شکنجه و آدم‌ربایی و قتل‌های از پیش برنامه‌ریزی شده. خشونت‌های جنسی نیز به طور گسترده‌ای گزارش شده‌اند، از جمله تجاوزهای موسوم به تجاوزهای «اصلاحی» یا «تنبیهی»، که در آن مردان به بهانه تلاش برای «درمان» دگرباشی جنسی زنان، به زنان لژیون تجاوز می‌کنند. خشونت در مکان‌های مختلفی از جمله در کوچه و خیابان، پارک‌های عمومی، مدارس، محل کار، در منزل شخصی افراد و در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های پلیس، اتفاق می‌افتد. همچنین این خشونت ممکن است خودجوش و یا سازمان‌یافته، توسط افراد غریبه و یا توسط گروه‌های افراطی انجام شود. از مشخصه‌های مشترک بسیاری از جنایاتی که به خاطر تنفر از دگرباشان جنسی صورت می‌گیرد، شدت بالای بی‌رحمی آنها است: به عنوان مثال، اجساد قربانیان در حالی یافت می‌شود که بدن آنها در معرض قطع عضو، آتش زدن و سوختن، اخته کردن و یا تجاوز جنسی قرار گرفته است. افراد تراجنسی، به ویژه روسپی‌ها و آن‌هایی که در بازداشت هستند، بیشتر در معرض خشونت‌های مرگ‌بار و بسیار بی‌رحمانه قرار می‌گیرند.

موارد شکنجه و بدرفتاری‌ها علیه دگرباشان جنسی «لژیون‌ها، گی‌ها، دوجنس‌گرایان و تراجنسی‌ها» به طور گسترده‌ای مستندسازی شده است. اغلب، شکنجه در مکان‌هایی مانند بازداشت‌گاه‌ها و زندان‌ها رخ می‌دهد. در این اماکن، دگرباشان جنسی ممکن است توسط افسران پلیس، زندانبان‌ها و یا سایر هم‌بندان خود، بدون اینکه از سوی پلیس مداخله‌ای صورت گیرد، مورد تهاجم قرار گیرند. برخی از درمان‌های پزشکی که به زور به افراد تحمیل می‌شود نیز می‌تواند عملاً نوعی شکنجه باشد. از جمله این موارد می‌توان به معاینه مقعد مردان همجنس‌گرا برای «اثبات» همجنس‌گرایی آن‌ها، عقیم کردن ناخواسته افراد تراجنسی و شوک‌درمانی الکتریکی برای «تغییر» گرایش جنسی افراد اشاره کرد.

توسل به خشونت بخاطر جنسیت افراد

حمله به افراد بخاطر گرایش یا هویت جنسی آنها، عموماً به قصد تنبیه کسانی که هنجارهای جنسی رایج را زیر پا می‌گذارند صورت می‌گیرد. چنین حملاتی را میتوان بروز خشونت بخاطر جنسیت افراد تلقی نمود. لازم نیست افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، تراجنسی و یا دوجنسی باشند تا مورد حمله قرار گیرند؛ همین قدر که گمان رود فردی همجنس‌گرا و یا تراجنسیتی است برای در معرض خطر حمله قرار گرفتن وی کافی است.

اطلاعات آماری

اطلاعات رسمی جسته و گریخته‌ای از خشونت‌هایی که ریشه در دگرباش‌ستیزی دارند وجود دارد و این آمار و ارقام رسمی بندرت منتشر شده است. تنها کشورهای معدودی، سازوکارهای مناسبی برای نظارت، ضبط و گزارش جنایاتی دارند که برخاسته از تنفر از دگرباشان جنسی است. حتی در جایی که چنین سیستمی وجود داشته باشد، ممکن است قربانیان به پلیس اعتماد کافی نداشته باشند و برای بیان مشکلات خود یا پیش‌نگذارند. حتی خود پلیس هم ممکن است آموزش کافی برای شناخت و ثبت انگیزه خشونت‌ها را نداشته باشد. با این حال، با کنار هم قرار دادن آمارهای محدود منتشر شده از سوی دولت‌ها و تکمیل آن آمارها با گزارش‌هایی که از منابع دیگر به دست آمده‌اند، تصویر کاملی از خشونت‌های بی‌رحمانه‌ای که اغلب بدون مجازات باقی می‌ماند، بدست می‌آید.

مسئولیت دولت‌ها

تمامی کشورها تحت قوانین بین‌المللی وظیفه حفاظت از حقوق دگرباشان جنسی را دارند. حقوقی که شامل بر حق زندگی، حق امنیت فردی، حق رهایی از شکنجه و حق رهایی از بدرفتاری می‌شوند. دولت‌ها همچنین وظیفه اکید دارند تا اقداماتی موثر به منظور جلوگیری از قتل‌هایی که با انگیزه‌ی نفرت صورت می‌گیرند، انجام دهند، مانع حملات خشونت‌آمیز و شکنجه گردند، در مورد تمامی جنایات بررسی سریع و کامل انجام داده و افراد مسئول را به پیشگاه عدالت بسپارند.

گام‌های اجرایی

دولت‌ها موظف هستند تا:

- به تحقیق، تعقیب و مجازات عاملان قتل‌های هدفمند بپردازند.
- قوانینی علیه جرایمی که با انگیزه‌ی نفرت صورت می‌گیرند تصویب کنند تا از خشونت به خاطر گرایش و هویت جنسی افراد جلوگیری شود.
- سازوکارهایی برای ثبت و گزارش خشونت‌های ناشی از نفرت ایجاد کنند.
- آموزشی‌های مناسبی را به منظور بالا بردن سطح آگاهی نیروهای انتظامی، زندانبانان، قضات و سایر کارکنان بخش‌های امنیتی انجام دهند.
- برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی عمومی را برای مقابله با نگرش‌های دگرباش‌ستیزانه و نیز ارتقای ارزش‌هایی چون تنوع اجتماعی و احترام متقابل مورد به اجرا بگذارند.

شما، دوستان شما و افراد دیگر هم می‌توانید تاثیرگذار باشید:

- اطمینان حاصل کنید که شما و کسانی که در اطراف شما هستند خشونت دگرباش‌ستیزانه را به هیچ شکلی، از جمله به صورت تهدید لفظی و پرخاش کلامی، تحمل نمی‌کنید.
- تمامی این خشونت‌ها را، حتی زمانی که مستقیماً به شما مربوط نمی‌شود، علناً محکوم نمایید و آنها را گزارش دهید.
- با ارسال ایمیل به نشانی urgent-action@ohchr.org یا بخش سازوکارهای ویژه حقوق بشر در سازمان ملل متحد مکاتبه کرده و این موضوع را به آنها اطلاع دهید.

مثال‌هایی از حوادث خشونت‌باری که توسط دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد به ثبت رسیده است

ست والش زمانی که خود را در باغ خانه‌اش در شهر تهاچاپی ایالت کالیفرنیا به دار آویخت، تنها ۱۳ سال داشت. تصمیم غم‌انگیز او برای پایان دادن به زندگی خود پس از سال‌ها تحمل متلک‌های همجنس‌گراستیزانه و طعنه‌های همسالان خود بود. ماجرای ست منحصر به فرد نیست: در همان ماهی که او درگذشت، حداقل پنج پسر نوجوان دیگر در ایالات متحده پس از مواجهه با زورگویی‌های همجنس‌گراستیزانه، دست به خودکشی زدند.

دانیل زامودیو، مرد ۲۴ ساله همجنس‌گرا، در نتیجه صدمات شدید بدنی، طی یک حمله شرورانه توسط گروهی که ادعا می‌شد نئونازی باشند، در پارکی در سانتیاگو درگذشت. گفته می‌شود مهاجمان ساعت‌ها او را شکنجه داده بودند. به عنوان مثال، روی بدن دانیل سیگار افروخته چسبانند و صلیب شکسته حک کردند. چهار مظنون در این رابطه دستگیر و رسماً متهم به قتل دانیل شدند. برخی از دستگیرشدگان سوءسابقه کیفری در زمینه حمله به مردان همجنس‌گرا داشتند. دادستان اعلام نمود که معتقد است این تعارض به وضوح با انگیزه همجنس‌گراستیزی انجام شده است. در پی این حمله که موجی از اعتراضات عمومی و مناظرات ملی را به همراه داشت، قوانین جدیدی برای مجازات تبعیض علیه همجنس‌گرایان و جنایات از روی انگیزه‌های همجنس‌گراستیزانه به تصویب رسید.

سونیتا (نام مستعار)، زنی تراجنسیتی (متی) است که در کاتماندو توسط پلیس دستگیر شد. ادعا شده است که پس از اینکه وی به دفتر پلیس محلی برده شد، به صورت لفظی مورد آزار قرار گرفت و سپس از او خواستند تا برهنه شود. طبق گزارش‌ها، وقتی او از این درخواست سر باز زد، ماموران پلیس لباس‌های او را به زور از تنش‌کنند و درحالی که مسخره‌اش می‌کردند، به اندام تناسلی او دست زدند و تهدیدش کردند که موهایش را برای مجازات به خاطر پوشیدن لباس زنانه، قیچی خواهند کرد. او روز بعد آزاد شد. در این کشور، به طور مستمر حوادث مشابهی از آزار و اذیت تراجنسیتی‌ها توسط پلیس، از جمله ضرب و شتم فیزیکی و پرخاش کلامی، گزارش می‌شود.

ناکسالو نوگ وُزا، فعال زن حقوق دگرباشان جنسی آفریقای جنوبی، زمانی که در شهرک کواتما در نزدیکی ژوهانسبورگ مورد تجاوز قرار گرفت و کشته شد، تنها ۲۴ سال سن داشت. سر و صورت او به دلیل سنگسار، متلاشی شده بود. همچنین با شکسته‌های شیشه، ضربات متعددی به او وارد کرده بودند. این گمان می‌رود که حمله به وی، از آنجایی شروع شد که مهاجم‌ها تلاش کردند به دوست دختر او پیشنهاد آمیزش جنسی دهند. مردمی که در نزدیکی صحنه قتل زندگی می‌کردند، گزارش دادند که صدای فریاد مردان را در زمان نزدیک به حمله شنیده‌اند که می‌گفتند: «ما شما را از شر همجنس‌گرایی‌تان خلاص می‌کنیم.» بیشتر از دو هزار نفر در مراسم تشییع جنازه ناکسالو شرکت کردند. خیلی از آنها خشونت همجنس‌گراستیزانه را محکوم کردند و خواستار پایان بخشیدن به تجاوز به زنان همجنس‌گرا شدند که به قصد به اصطلاح «اصلاح» یا «تنبیه» آنها انجام می‌گیرد.

پاولین کیمانی، از فعالان حقوق زنان همجنس‌گرا در شهر نایروبی در کشور کنیا، در یک برنامه تلویزیونی حضور یافت تا در مورد همجنس‌گرایی سخن گوید. چند هفته پس از این مصاحبه، او مکرراً در خیابان و در سایر اماکن عمومی مورد آزار و اذیت‌های لفظی قرار گرفته بود و آن‌طور که از گزارش‌ها برمی‌آید، توسط گروهی از مردان، تعقیب و تهدید به تجاوز شده بود. همچنین او توسط نامه‌ای که بیرون منزلش گذاشته شده بود، به مرگ تهدید شد.

در کشور هندوراس، شهر کامایاگوئلا، جسد **لورنزا الکسیس آلوارادو هرناندز**، یک زن ۲۳ ساله تراجنسیتی، درون یک گودال پیدا شد. بدن او آشکارا مورد ضرب و شتم قرار گرفته و سوخته بود. سنگ‌های خونی نزدیک جسد او نشان می‌داد که کبودی‌های روی بدنش ناشی از سنگسار است. بدن او به آتش کشیده شده بود. کاندوم‌های استفاده شده، همچنین نشان می‌داد که وی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بوده است. صدمات شدید به صورتش، جسد او را تقریباً غیرقابل شناسایی کرده بود.

واکنش خشونت‌آمیز به برابری جنسیتی؟

در چندین کشور، مقامات متوجه شدند که بلافاصله پس از تصویب و اجرای پر سر و صدای قوانینی که هدف آنها حفاظت بهتر از حقوق دگرباشان جنسی بوده است، میزان خشونت‌های دگرباش‌ستیزانه شدیداً افزایش یافته است. این امر پدیده‌ای تاریخی است که در گذشته نیز بارها رخ داده است: تلاش‌هایی که در گذشته برای از بین بردن تبعیض و نابرابری نژادی صورت گرفته، ظاهراً باعث بروز واکنش‌های منفی شدیدی علیه اقلیت‌های نژادی گردیده است. این مسئولیت حکومت‌هاست که نه تنها با تبعیض مقابله کنند، بلکه برای اقشار مختلف جامعه روشن سازند که چرا باید با این اقدامات مقابله کرد و اطمینان حاصل کنند که اقداماتی مناسب برای جلوگیری و نیز پاسخ‌گویی فوری و موثر در مقابل خشونت انجام خواهد گرفت.